



یادداشت 

جهت اطلاع



ضمن شادباش فرا رسیدن سال نو میلادی ۲۰۲۵، به همه ی خوانندگان عزیز "نشریه هفتگی جنگ کارگری" و با آرزوی پایان یافتن جنگ و کشتار و قطع تجاوز و زورگویی و برقراری صلح عادلانه در سراسر جهان و شادمانی از پایان یافتن سال پر جنگ و کشتار ۲۰۲۴ به اطلاعاتان می رسانیم که "نشریه هفتگی جنگ کارگری" جمعه آینده به دلیل تعطیلات سال نو میلادی منتشر نخواهد شد از طرف گروه کار کارگری حزب چپ ایران

اعتراضات معیشتی در مسیر سیاسی شدن پیش می رود

صادق کار



اعتراضات معیشتی هر روز که می گذرد بیشتر و دامنه آنها گسترده تر و عمق شان بیشتر می شود. هیچگاه در طول همه ی سالهای بعد و حتی پیش از انقلاب ابعاد نارضایتی از وضعیت معیشتی به اندازه امروز همه گانی نبوده است. این تنها وضعیت غیر قابل تحمل معیشت نیست که چنین موجی از اعتراض بوجود آورده است. نبود امید به چشم انداز بهتر نیز در افزایش پیوسته اعتراضات نقش دارد. در ادامه اعتراضات در این هفته علاوه بر گروه های مختلف بازنشستگان کارگران صنعت نفت نیز که مدتی است به اعتراضات پیوسته اند، با برگزاری چند اعتراض بزرگ در مناطق مختلف کارزار خود را گسترده تر از پیش کردند.

در روز شنبه ۴ دی ماه پنج هزار کارگر شاغل در ۱۲ شرکت پیمانکاری پارس جنوبی به صورت دسته جمعی بار دیگر یکی از گسترده ترین اعتراضات کارگری را در مقابل مجتمع گاز پارس جنوبی برگزار کردند.



تظاهرات این هفته برای شانزدهمین هفته پیاپی بود که بر گزار می شد و هر هفته بر تعداد شرکت کنندگان آن افزوده شده است. اما چون تظاهرات گسترده پنج هزار نفره آنها بازم از طرف دولت و کارفرمایان بی پاسخ گذاشته شد، کارگران اعلام کردند در دهم دی ماه اعتصاب سراسری می کنند. تنها خواسته اعتراضات کارگری البته افزایش دستمزد نیست، کارگران مطالبات دیگری نیز همچون، برچیدن بساط شرکتهای پیمانکاری، پذیرش حق تشکل و اعتصاب، آزادی همکاران بازداشتی و برگشت به کار همکاران اخراجی، لغو قرارداد موقت، استخدام رسمی، پرداخت به موقع دستمزدها و مزایا، رعایت امنیت و بهداشت در محل های کار، اجرای طبقه بندی، ۱۴ روز تعطیلی در ازای کار مستمر ماهانه هم دارند.

وضعیت درآمدی صاحبان شرکتهای پیمانکاری در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی عالی است. آنها نه تنها از طریق تولیدات خود درآمد هنگفتی دارند، با ندادن حقوق قانونی به کارگران غیر رسمی نیز سود مضاعفی به جیب می زنند. بهمین دلیل نمی توانند به بهانه هایی همچون سود آور نبود شرکت هایشان یا نداشتن توان مالی از افزایش دستمزد و بهبود شرایط کاری کارگران خود طفره برونند.

اما مسئله این است که اینها که بخشی از خود حاکمیت و قدرت دولتی هستند به رغم گسترش موج وار این اعتراضات، توانسته اند در برابر این موج تاب بیاورند و از پذیرفتن خواسته های تظاهرات کنندگان امتناع نمایند.

بعضا این را به حساب وضعیت بد اقتصادی رژیم می گذارند، تا جایی که این قضیه به بازنشستگی مانند معلمان، کارکنان کشوری و لشگری و سایر کارکنان بخش دولتی بر می گردد، حرف بی ربطی نیست، اما این ادعا در مورد موسسات خصوصی به هیچ روی معتبر نیست، زیرا با تمام شکایات و گله های که از سوی سرگردگان بخش خصوصی و حواریون آنان از دولت مبنی بر تحت فشار قرار داشتن بخش خصوصی می شود، بخش خصوصی خود بخشی از حکومت است که در وضع قوانین و جهت گیری ها اقتصادی- اجتماعی حکومت نقش مهمی دارد و اگر رهبران آنها نسبت به بعضی رویکردهای حکومت موضع انتقادی دارند، بواسطه سهم خواهی بیشتر یا نارضایتی از سیاست خارجی حکومت است که به تجارت بخش خصوصی نیز زیان وارد می کند. سیاستی که در کنترل سرداران سپاه یعنی نیروی قدر و حریف حکومتی آنها قرار دارد.

بهمین جهت است که لایه ها بالایی بخش خصوصی رانتخوار و رانت پروده ایران به رغم مظلوم نمایی های خود و مدافعین اش بعد از سرکردگان سپاه و بورژوازی نظامی بیشترین سهم از درآمدهای کشور را از آن خود کرده است و بیشترین نقش را در گسترش بی عدالتی داشته و دارد.

از میان برداشتن قوانین کار و فریز کردن فقر افزای دستمزدها از دستبخت این بخش و گویای حضور و نفوذ آنان در راس هرم قدرت است. وضع آنها را اگر مقایسه کنید با وضعیت طبقه کارگر و اکثریت مردم کشور، مشخص خواهد شد که ظالم و مظلوم واقعی چه کسانی هستند. این را طبقه کارگر تشخیص می دهد.

همانطور که مطالبات مطرح شده نشان می دهند، بخش عمده این مطالبات مستقیم و غیر مستقیم با افزایش دستمزد و وضع معیشت ارتباط دارند. با این وصف از آنجا که خود موضوع معیشت الان به یکی از سیاسی ترین مطالبات اکثرین بزرگ مردم تبدیل شده است، خطاست هر گاه ماهیت این اعتراضات را صرفا صنفی تلقی کرد. این اعتراضات البته در ابتدا می توانست صرفا صنفی و معیشتی باقی بماند و فراتر از آن نرود، ولی برخورد با مشت آهنین حکومت و سرمایه داری حاکم با اعتراضات و وضعیت سیاسی و بحرانی شکل گرفته در جامعه، ماهیت، سمتگیری و مطالبات اعتراضات کارگری را تغییر داد و رادیکالیسم فطری و طبقاتی طبقه کارگر را فعال کرد. حالا دیگر طبقه کارگر تنها در پی نان و معیشت نیست، بدنبال قدرت و موقعیتی است که بتواند بوسیله آن نان و معیشت خود را تامین و حفظ کند. نان و آزادی و سیاست اینک



چنان به هم گره خورده‌اند که تفکیک آنها از هم دیگر میسر نیست. بخشی از به ثمر نرسیدن این همه اعتراض بواسطه سلطه این جریان و همدستی آنان با جناح های دیگر حکومت است و بخشی نیز به دلیل پراکندگی و تشکل نا یافتگی خود طبقه کارگر و دیگر زحمت کشان است. یک دلیل دیگر پراکندگی استبداد و سرکوب است، که لایحه بالایی بخش خصوصی موجود در ایجاد و حفظ آن نقش سمت دهنده داشته و دارد و بخشی از آن نیز ناشی از جان سختی تمایلات تک روانه در جریانات چپ است. با این همه اکنون طبقه کارگر از لحاظ آگاهی در موقعیتی قرار دارد که می تواند خود را متشکل و سازمان دهد و خواهد داد.

**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن  
بپیوندید!**

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و متری آن حمایت می کنیم!  
برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران  
و مزد و حقوق بگیران!**

برابری جنسیتی در محیط کار بخش سوم

فیضا علی



2. نظریه فمینیسم رادیکال

فمینیسم رادیکال در دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده آمریکا به میان آمد. به طور تاریخی، فمینیسم رادیکال با این فرض آغاز شد که جنسیتها در موقعیتی متضاد قرار دارند، مردان قدرت بیشتری نسبت به زنان دارند، و جامعه و روابط اجتماعی را می توان بر اساس ارتباط با این وضعیت بهتر درک کرد. فمینیستهای رادیکال استدلال می کنند که همه انواع ستم از یک نظام روابط پدرسالارانه نشأت می گیرد.



برای مارکسیست‌ها، سرمایه‌داری عامل اصلی تأثیرگذار بر رابطه میان سرمایه و کار است. در مقابل، فمینیست‌های رادیکال تفکیک جنسیتی را به‌عنوان مفهوم اصلی در منسبات اجتماعی در نظر می‌گیرند. فمینیست‌های رادیکال مفهوم پدرسالاری را به‌عنوان مبنای ستم در اشتغال تلقی می‌کنند. در گذشته، پدرسالاری به معنای قدرت پدر (رئیس خانواده) بر اعضای خانواده، از جمله زنان و مردان جوان‌تر بود. امروزه، پدرسالاری به سیستم‌ها و ساختارهایی اشاره دارد که قدرت مردان بر زنان را تسهیل می‌کند. نظریه فمینیسم رادیکال بر آن است که در شکل کنونی، پدرسالاری زن را به‌عنوان یک طبقه شناسایی می‌کند و به سیستمی اشاره دارد که در آن مردان امتیاز دارند و زنان از این امتیازات برخوردار نیستند، به گونه‌ای که نابرابری به‌طور مشروع پذیرفته می‌شود.

فمینیست‌های رادیکال استدلال می‌کنند که مردان از کار خانگی که عمدتاً توسط زنان در خانواده‌هایشان انجام می‌شود، بهره‌مند می‌شوند. آن‌ها این تقسیم جنسیتی کار را به‌عنوان ریشه روابط اجتماعی پدرسالارانه قلمداد می‌کنند که مزایایی برای مردان نسبت به زنان در اشتغال ایجاد می‌کند. فمینیست‌های رادیکال معتقدند که پدرسالاری موجب تحمیل موقعیتی از نظر اجتماعی و اقتصادی پائین‌تر برای زنان نسبت به مردان گردیده است.

با این حال، برخی از پژوهشگران مفهوم پدرسالاری را برای توضیح وضعیت معاصر نابرابری زنان در نیروی کار به چالش کشیده‌اند. به‌عنوان مثال، کلگان و لدویث (Colgan, Ledwith) تفکیک قطعی مفهوم پدرسالاری بر مبنای بیولوژی را، در شکل سنتی آن، دایر بر این که این تنها مردان اند که پدرسالاری را اعمال می‌کنند، به نقد کشیده‌اند. به گفته ویلسون (Wilson)، پدرسالاری واقعیتی دیرینه است و تنها به یک نوع از برتری مردانه اشاره دارد. به همین ترتیب لاکوود (Lockwood) معتقد است که این ایده پدرسالاری برای جوامع مدرن قابل اعمال نیست، زیرا به شکل تاریخی خاصی از روابط خانگی اشاره دارد؛ حال آن که تفکیک جنسیتی در جوامع معاصر به مراتب پیچیده‌تر است. علاوه بر این، پدرسالاری دیگر حوزه‌های ستم مانند ستم نژادی، ستم بر پایه قومیت و مذهب، یا بر بنیان گرایش‌های جنسیتی را توضیح نمی‌دهد.

حوزه فمینیسم رادیکال در جامعه اسلامی عرصه آسانی نیست. دین موضوعی حساس است و افراد دیندار نسبت به اعتقادات و اعمال مذهبی خود تعلق خاصی دارند. با این حال، مسائل مربوط به اصول اسلامی (مانند آنچه در قرآن آمده است) باید از اعمال معاصر اسلامی تفکیک شود. برخی پژوهشگران مانند مرنیسی (Mernissi) و حسن بر ناخوانده ماندن پدرسالاری در منابع بنیادین اصول اسلامی تأکید کرده‌اند. این پژوهشگران معتقدند که آرمان برابری جنسیتی در جامعه اسلامی تنها زمانی قابل دستیابی است که تعالیم اسلامی از تأثیرات و تفسیرهای مردسالارانه (یعنی پدرسالارانه) آزاد شود. با این حال، به میزان محدودی امکان بازتفسیر وجود دارد، و نباید تعالیم آرمانی قرآن درباره مرد و زن کامل را به چالش کشید.

**کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!**

**از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!**



## مسئله زنان و گره خوردگی با سیاست و اقتصاد ایران

جعفر ابراهیمی



در ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران، هیچ مسئله‌ای بدون حل کردن مسئله زنان قابل حل نیست. زنان به‌عنوان نیمی از جامعه، در دل مسائل سیاسی و طبقاتی قرار دارند. هر برنامه سیاسی برای آینده ایران ناگزیر است به سؤالات بنیادین در زمینه زنان پاسخ دهد، به‌ویژه در رابطه با جایگاه آنان در قدرت سیاسی و نهادهایی که در آنها مشارکت دارند.

چرا زنان در ساختارهای صنفی تصمیم‌گیر دیده نمی‌شوند؟

در دوران حضور در شورای هماهنگی به‌عنوان بازرس، همواره این سؤال مطرح بود که چرا زنان، باوجود حضور چشمگیر در فعالیت‌های میدانی و تبلیغی، در نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز حضور کم‌رنگ‌تری دارند؟ به‌طوری که ساختار شورا را می‌توان ساختاری مردانه دانست. این مردسالاری لزوماً به معنای مناسبات آشکار تبعیض‌آمیز نیست، اما شایسته است زنان در شورا و هیئت‌های مدیره تشکلات صنفی، جایگاه شایسته خود را به دست آورند.

ضرورت تغییر جایگاه زنان در تشکلات صنفی معلمان .

مسئله زنان و گره خوردگی با سیاست و اقتصاد ایران

در ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران، هیچ مسئله‌ای بدون حل کردن مسئله زنان قابل حل نیست. زنان به‌عنوان نیمی از جامعه، در دل مسائل سیاسی و طبقاتی قرار دارند. هر برنامه سیاسی و سیاسی برای آینده ایران ناگزیر است به سؤالات بنیادین در زمینه زنان پاسخ دهد، به‌ویژه در رابطه با جایگاه آنان در قدرت سیاسی و نهادهایی که در آنها مشارکت دارند.

چرا زنان در ساختارهای صنفی تصمیم‌گیر دیده نمی‌شوند؟

در دوران حضور در شورای هماهنگی به‌عنوان بازرس، همواره این سؤال مطرح بود که چرا زنان، باوجود حضور چشمگیر در فعالیت‌های میدانی و تبلیغی، در نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز حضور کم‌رنگ‌تری دارند؟ به‌طوری که ساختار شورا را می‌توان ساختاری مردانه دانست. این مردسالاری لزوماً به معنای مناسبات آشکار تبعیض‌آمیز نیست، اما شایسته است زنان در شورا و هیئت‌های مدیره تشکلات صنفی، جایگاه شایسته خود را به دست آورند.



موانع ساختاری و تاریخی حضور زنان در مناصب قدرت تصمیم‌گیری

۱. رویکرد مردسالارانه مبتنی بر سرمایه‌داری: این رویکرد که در جامعه به صورت عمومی ناشی از سنت و قانون و مناسبات سرمایه‌سالارانه است، به شکل‌های صنفی نیز تسری پیدا کرده است. مقابله و مبارزه با این نگرش در درون شوراها و تشکل‌های صنفی امری ضروری است و وظیفه زنان و مردان برابری طلب است.

۲. سرکوب سیستماتیک زنان:

تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران مملو از سرکوب زنان بوده است. سازوکارهای حقوقی، اقتصادی و سیاسی برآمده از نگاه سرمایه‌داری و مردسالارانه، به‌طور سیستماتیک جایگاه زنان را تضعیف کرده و مردان را در موقعیت فرادستی قرار داده است. لازم است مردان برابری طلب داوطلبانه از این موقعیت فرادستی پایین بیایند تا زنان بتوانند جایگاه واقعی خود را بازیابند. این مستلزم مسئولیت‌پذیری است.

۳. غلبه رویکرد سنتی در تشکل‌ها:

نگاهی به ترکیب هیئت مدیره برخی تشکل‌ها نشان می‌دهد که در ساختارهای آنها، زنان اصلاً حضور ندارند. با این حال، در عرصه عمل، زنان نقشی پررنگ دارند. گویی یک تقسیم‌کار نانوشته وجود دارد که مردان تصمیم بگیرند و زنان اجرا کنند. برای تغییر این وضعیت، لازم است با برگزاری مجامع عمومی، زمینه حضور بیشتر زنان در هیئت‌های مدیره فراهم شود.

در تشکل‌هایی که بیش از یک دهه، یک نفر بر صدر نشسته و نماینده مادام‌العمر در شورا است طبیعی است جایی برای شکوفایی توانایی دیگران به ویژه زنان وجود ندارد.

ظرفیت‌های بالای زنان در مدیریت و رهبری صنفی

در دوران مسئولیت به‌عنوان بازرس شورای هماهنگی، شاهد حضور مؤثر نمایندگان زن از تشکل‌هایی مانند تهران، قزوین، مریوان، فارس، الیگودرز، خوزستان، مازندران و البرز و ... بودم. جلسات شورا با حضور این زنان بسیار پربارتر می‌شد. در کارگروه‌های تشکل‌ها و شورای هماهنگی که زنان حضور دارند. شاهد مسئولیت‌پذیری و دقت عمل تحسین‌برانگیز بودم. و این نشان‌دهنده ظرفیت بالای زنان معلم در مدیریت و رهبری تشکل‌های صنفی است.

نشانه‌های امیدبخش در انتخابات اخیر مجمع عمومی شورای هماهنگی

در انتخابات اخیر مجمع عمومی شورای هماهنگی، زنان از برخی تشکل‌ها در کارگروه‌ها و مجمع عمومی حضور فعال و بسیار مؤثری داشتند. اگرچه تعداد آنان کم بود، این حضور نویدبخش آن است که با مقابله با رویکردهای مردسالارانه و همچنین ساختارهای مردانه در درون تشکل‌ها، راه برای حضور و مشارکت فعال زنان فراهم گردد.

مسئله زنان و گره‌خوردگی با سیاست و اقتصاد ایران

در ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران، هیچ مسئله‌ای بدون حل کردن مسئله زنان قابل حل نیست. زنان به‌عنوان نیمی از جامعه، در دل مسائل سیاسی و طبقاتی قرار دارند. هر برنامه سیاسی برای آینده ایران ناگزیر است به سؤالات بنیادین در زمینه زنان پاسخ دهد، به‌ویژه در رابطه با جایگاه آنان در قدرت سیاسی و نهادهایی که در آنها مشارکت دارند.

چرا زنان در ساختارهای صنفی تصمیم‌گیر دیده نمی‌شوند؟

در دوران حضورم در شورای هماهنگی به‌عنوان بازرس، همواره این سؤال مطرح بود که چرا زنان، با وجود حضور چشمگیر در فعالیت‌های میدانی و تبلیغی، در نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز حضور کم‌رنگ‌تری دارند؟ به‌طوری که ساختار شورا را می‌توان ساختاری مردانه دانست. این مردسالاری لزوماً به معنای





مناسبات آشکار تبعیض آمیز نیست، اما شایسته است زنان در شورا و هیئت‌های مدیره تشکل‌های صنفی، جایگاه شایسته خود را به دست آورند.

ضرورت تغییر در ساختار در تصمیم‌گیری‌ها

برای پیشبرد عدالت جنسیتی در نهادهای صنفی، باید در رویکردهای موجود نسبت به نقش زنان بازنگری صورت گیرد تا به مشارکت واقعی زنان کمک کند و تشکل‌ها و شوراهای بایستی با تجدید ساختار و انتخاب نمایندگان جدید، به زنان فرصت بیشتری برای نقش‌آفرینی دهند.

زنان معلم در سال‌های اخیر به خصوص در قیام ژینا نشان داده‌اند که توانایی بالایی در عرصه عمل دارند. در طی سال‌های گذشته معلمان زن برای تحقق اهداف صنفی و مدنی و سیاسی از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. و دوشادپش سایر زنان و مردان برابری طلب و آزادی‌خواه، هزینه‌های فراوانی متحمل شده‌اند. نگاهی به آمار زنان معلم پرونده‌دار؛ زندانی، اخراجی و تعلیق و ... خود گویای همه چیز است. حاکمیت نیز به دلیل همین فعالیت‌ها، سرکوب مضاعفی نسبت به معلمان زن اعمال می‌کند. ضروری است که حمایت از تمامی معلمان زن، چه آنانی که به‌خاطر فعالیت‌های صنفی دچار مشکل شده‌اند و چه آنانی که به‌دلیل فعالیت‌های سیاسی و مدنی با محرومیت مواجه گشته‌اند، در برنامه و دستور کار تشکل‌های صنفی قرار گیرد.

اگر ویژگی بارز ساختار فعلی تبعیض، استثمار، حذف و نادیده‌گرفتن زنان در تمام عرصه‌هاست. در نقطه مقابل، باید در تمام عرصه‌ها از جمله در موقعیت رهبری و تصمیم‌گیری جمعی زنان حضور موثر و فعال داشته‌باشند.

تاریخ مملو از تجربه‌های درخشان داخلی و بین‌المللی است. برخی تشکل‌های صنفی، مدنی و کارگری و احزاب و سازمان‌های سیاسی مترقی که با درک این ضرورت تاریخی و سیاسی قدم در راه برابری جایگاه زنان گذاشته‌اند توانسته‌اند ظرفیت‌های بالقوه زنان را عینیت بخشیده و در مدار تکاملی و بالاتری قرار گیرند. وظیفه هر تشکل و نهاد مترقی است که با تغییر ساختار و رویکرد زمینه مشارکت زنان را فراهم کند. در پایان باید تاکید نمود این نگاه مانند نگاه کمی‌نگری نیست که برابری را صرفاً در کمیت می‌خواهد. در نگاه نگارنده صرف زن بودن در جایگاهی نمی‌تواند کانون اثر و تغییر به سود زنان باشد. در ساختارهای سرمایه‌سالار و حتی در حاکمیت فعلی چه بسا زنان در موقعیت قدرت قرار دارند. اما چون مسلح به بینش و رویکرد رهایی‌بخش نیستند و فاقد آگاهی طبقاتی و جنسیتی هستند. قادر به حل تضادها به سود زنان و به تبع آن جامعه نیستند.

به عنوان مثال بازی با برگ «افزایش زنان در کابینه» که در موسم انتخابات به خصوص از سوی اصلاح‌طلبان قلابی و حکومتی مطرح می‌گردد چیزی جز فریبکاری برای جلب آرا نیست. بودن یا نبودن فردی مانند معصومه ابتکار یا فاطمه مهاجرانی یا ... چه سودی برای زنان ایران دارد وقتی این افراد خود زن‌ستیزند. باید طرحی نو در انداخت و زنان برابری طلب در بالاترین سطح قدرت سیاسی قرار گیرند و تشکل‌های صنفی و مدنی جایی برای شروع و تمرین است تا جامعه‌ای برابر بسازیم.

اگر زمینه مشارکت زنان فراهم گردد نه‌تنها به پیشبرد اهداف صنفی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز تحقق عدالت و برابری در ساختارهای اجتماعی و سیاسی نیز خواهد بود.

منبع:

کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان



## علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی، برای برخورداری از قانون کار جامع متحدانه مبارزه کنیم!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته  
باشند!

همه‌ی فشارها روی دوش طبقه کارگر

صادق



کارگران کارخانه فولاد "سیادل ابهر" چند روز گذشته را در اعتراض به سر بردن تا توانستند یک ماه از دستمزدهای معوقه خودشان را بگیرند.

کارگران معترض می گویند کار و کسب کارخانه رونق دارد و دلیلی برای پرداخت نکردن مرتب دستمزدهای شان وجود ندارد.

خدمات بیمه‌ای به کارگران و خانواده هایشان نیز به علت واریز نشدن حق بیمه چند ماه گذشته به حساب تامین اجتماعی قطع شده است بهمین دلیل کارگران اگر نیاز به دارو و درمان داشته باشند، مجبورند هزینه آن را از جیب خود بپردازند. این در شرایطی است که مزد اندک کارگران کفاف نیمی از نیازهای اولیه آنها را نمی دهد و روز به روز هزینه‌های زندگی به سرعت برق و باد افزایش پیدا می کند.

این تنها یک نمونه از صدها مورد از رفتار کارفرمایان با کارگران است. اگر تنها گزارشهایی را که در برخی از رسانه ها منتشر شده در نظر بگیریم، با انبوهی از اعتراضاتی روبرو می شویم که دلایل و علت آنها کم و بیش مشابه مورد اعتراض کارگران کارخانه فولاد "سیادل ابهر" است.

ندادن به موقع دستمزد و حقوق کارگر اکثر در واحدهای خصوصی صورت می گیرد. پدیده‌ای مربوط به این روزها که قطع برق بخشی از تولید را مختل کرده نیست.

این پدیده‌ای چند ده ساله است که خیلی از سرمایه داران هر گاه میل شان بکشد از آن بهره می گیرند. گاهی هدف نگه داشتن تهدید بالای سر کارگر و فشار است، گاهی برای طفره رفتن از دادن حق بیمه، و





بعضی وقت ها برای فشار به دولت برای گرفتن امتیاز های مختلف، برای مثال در حال حاضر کارفرمایان بیشتری به بهانه قطع برق و اختلافی که با دولت بر سر برق پیدا کرده‌اند از پرداخت به موقع دستمزدها و رد کردن حق بیمه کارگران طفره می روند. یکی از نمایندگان آنان در شورای عالی کار نیز چند روز پیش گفت دولت بخشی از دستمزد کارگران را بجای کارفرمایان بپردازد

در تعدادی از کارخانه ها برخی مزایای مزدی از جمله حق اضافه کاری را نمی دهند و هر کس را که اعتراض کند اخراج می کنند تا هم کارگر را مجبور به تحمل بی حقوقی بیشتر نمایند و هم از دولت امتیاز بگیرند. اظهارات یکی از کارگران کارخانه فولاد ابهر به خبرگزاری ایلنا مشت نمونه خروار است. ایلنا به نقل از وی نوشت

این کارگر فولاد سیادن ابهر افزود: حدود ۲۸۰ کارگر این کارخانه دو ماه حقوق و چندین ماه حق بیمه " پرداخت نشده دارند که کارفرما پس از جلسه‌ای که در محل فرمانداری ابهر برگزار شد، وعده پرداخت بخش زیادی از مطالبات مزدی و بیمه‌ای کارگران را داد اما بعد از چند روز، فقط یک پایه حقوق بدون محاسبه "اضافه‌کاری به حساب کارگران واریز شده است

ملاحظه می کنید که حتی میانجیگری فرماندار هم باعث نمی شود که کارفرما حقوق اولیه کارگرانی را . که برایش ثروت می آفریند رعایت کند. این در حالی است که طبق قانون کار موجود دستمزد کارگر جز بدهی ممتاز کارفرما اعلام شده و کارفرما موظف به پرداخت آن در موقع مقرر شده در قانون شده است :در یک مورد دیگر این خبر گزاری با اشاره به پرداخت نکردن معوقات مزدی کارگران اخراج شده داروگر نوشت :با گذشت بیش از ۱۸ ماه از اخراج ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه «داروگر» تهران، هنوز کارفرما مطالبه‌های "حقوقی و سنواتی کارگران را پرداخت نکرده است

شکایات این کارگران باید قانونا از طرف اداره کار پیگیری شود، اما سرگردانی ۱۸ ماهه کارگران نشان می دهد، اداره کار که وظیفه پیگیری و نظارت بر اجرای قانون کار را به عهده دارد، از انجام وظیفه خود سرباز زده است. علت قضیه هم روشن است، ادارات کار نیز تابع و مجری سیاستهای حکومت و سرمایه داران هستند و انتظار نمی رود جانب صاحبان قدرت را رها کنند و جانب کارگران را ولو اینکه حق با آنها باشد بگیرند.

اینکه قطع برق و گاز به سود و درآمد صاحبان واحدهای تولیدی لطمه می زند واقعیتی است غیر قابل انکار و مورد تأیید کسی نیست، ولی نه این لطمه آنقدر سنگین است که آن را مستمسکی کرد برای تعدیل حقوق و فشار بر کارگران، و نه کارگران در این میان تقصیری دارند که تاوان قطع برق و گاز را بجای دولت بپردازند. در واقع وظیفه دولت است که خساراتی را که در اثر قطع برق به صاحبان کارخانه ها وارد می شود به آنها بپردازند

جای شک نیست که کارفرمایان تلاش خواهند کرد با بهره گیری از وضعیت و فضای موجود نه تنها روی میزان افزایش دستمزدهای سال آینده به نفع خودشان اثر منفی بگذارند بلکه، زمینه را برای ایجاد تعدیلات بیشتری در قانون علیه حقوق کارگران و به سود خودشان بوجود آورند. بی جهت نیست که کارگران به درستی خصوصی سازی را مترادف با پایمال سازی بیشتر حقوق خود می فهمند و با آن مخالفت می کنند.

همه ی این فشارها و حق خوری ها بدان جهت علیه کارگران اعمال و به راحتی نهادیه و ماندگار می شوند، که طبقه کارگر بر عکس کارفرمایان و سرمایه داران که بخوبی در اتحادیه های طبقاتی خود متشکل شده‌اند، متشکل و سازمانیافته نیستند. نتیجتا تا زمانی که مبارزات آنان پراکنده و فاقد اتحادیه های نیرومند هستند، نه تنها نمی توانند از حقوق خود دفاع کنند، بلکه ته مانده حقوق شان را از آنها خواهند گرفت و هر روز بیش از پیش در فقر فرو خواهند رفت. تا کنون مگر غیر از این بوده است؟



تجمع فرهنگیان بازنشسته شیراز: ۱۶ ماه در انتظار پاداش پایان خدمت

بازنشستگان فرهنگی استان فارس در اعتراض به تاخیر در پرداخت معوقات خود در ۱۱ دیماه در شیراز به گزارش. تجمع کردند.

این بازنشستگان که هنوز ۶۰ درصد از پاداش پایان خدمت خود را دریافت نکرده‌اند، می‌گویند: ۱۶ ماه است در انتظار دریافت معوقات خود هستیم؛ در این مدت، پاداش پایان خدمت ما کاملاً ارزش خود را از دست داده و ناچیز شده است.

نمایندگان این بازنشستگان پیش از این چندین بار به تهران آمده و مقابل نهادهای مسئول مانند دفتر ریاست جمهوری تجمع کرده‌اند.



تجمع کارگران پیمانکاری نفت و گاز گچساران

کارگران پیمانکاری نفت و گاز گچساران در اعتراض به شرایط شغلی خود در ۱۱ دیماه در محوطه شرکت. تجمع کردند.

مطالبات این کارگران موارد بسیاری از جمله تبدیل وضعیت با حذف شرکت‌های تامین نیرو، برقراری نظام عادلانه در پرداخت حقوق، پاداش و مزایا، اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل، اجرای رای ۳۱۸۸ دیوان عدالت اداری، اصلاح مالیات و تامین معیشت و درمان است.

این کارگران می‌گویند: نظام پرداخت حقوق در نفت و گاز کشور، ناعادلانه و تبعیض‌آمیز است.



اعتراض کارگران پتروشیمی آبادان مقابل فرمانداری/ شرکت تعطیل شد مطالبات معوق ماند  
کارگران پتروشیمی آبادان در تماس با خبرنگار ایلنا، از تعطیلی این واحد پتروشیمی و بیکاری چند صد کارگر آن انتقاد کردند.

کارگران پتروشیمی آبادان با انتقاد از سفره‌های خالی و وضعیت بحرانی معیشت خود می‌گویند: شرکت تعطیل شده است اما حق بیمه و دستمزد کارگران معوق مانده است؛ از مسئولان استانی و کشوری توقع داریم پیگیر ماجرا باشند.



اعتصاب پرستاران در بیمارستان گاندی تهران

مطالبات مزدی پرستاران بیمارستان گاندی/ با درآمد میلیاردی چرا مطالبات کادر درمان پرداخت نمی‌شود؟

پرستاران بیمارستان گاندی تهران نزدیک به سه ماه معوقات مزدی پرداخت نشده دارند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، پرستاران بیمارستان گاندی تهران حدود سه ماه معوقات مزدی پرداخت نشده دارند؛ این پرستاران در روزهای اخیر با دست کشیدن از کار، اعتراض خود را به شرایط شغلی و مزدی نشان دادند.

یکی از این پرستاران می‌گوید: بیمارستان گاندی خصوصی‌ست و درآمدهای میلیاردی دارد؛ چطور ادعا می‌کنند پولی برای پرداخت معوقات پرستاران نیست.

او اضافه کرد: ما شبانه‌روز زحمت می‌کشیم اما پول کرایه تاکسی هم نداریم؛ آن وقت مدیران لکسوس! سوار می‌شوند و به ما می‌گویند پولی در بساط نیست.

گفتنی‌ست مدیر بیمارستان در تجمع روز گذشته این پرستاران، حاضر شد و به آنها قول داد در اسرع وقت مطالبات‌شان پرداخت خواهد شد.





سروناز احمدی، فعال حقوق کودکان از زندان آزاد شد

سروناز احمدی روز گذشته نهم دی، با پذیرش آزادی مشروط از زندان اوین آزاد شد. ایشان در جریان "انقلاب زن، زندگی، آزادی" بازداشت و دادگاه انقلاب تهران وی را به اتهامهای "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی" ظالمانه به سه سال و شش ماه حبس محکوم کرده بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آزادی سروناز احمدی را شادباش می‌گوید و خواهان آزادی کلیه فعالین سیاسی، کارگری، معلمی و بازنشستگان در بند از جمله ابراهیم مددی و داود رضوی دو تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد میباشد.

چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

دی ۱۴۰۳ ۱۰

## چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**